

نگاهی به تصویرگری و جایگاه آن در قرآن کریم و نهج البلاغه

(مطالعه مورد پژوهانه؛ تشبیه تمثیل)

وحید سبزیان پور

دانشیار دانشگاه رازی

طیبه حمزوی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه دانشگاه پیام نور تهران

پیمان صالحی

دانشجوی دکتری ادبیات عرب دانشگاه رازی

(از ص ۱۳ تا ۳۲)

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۱

چکیده

از جمله فنون بلاغت در راستای تبیین و آشکارسازی اهداف و مقاصد کلام، تصویرگری در قالب «تشبیه تمثیل» است. تشبیهی که وجه شبه آن، امری آشکار و ظاهری نیست و نیاز به تأویل دارد. قرآن کریم و نهج البلاغه که به اعتراف صاحب نظران از عالی ترین درجات بلاغت برخوردارند، برای به تصویر کشیدن بسیاری از معارف عمیق و دور از دسترس فهم متعارف انسان، از این شیوه بهره فراوان برده اند. این پژوهش بر آن است تا با ارائه و شرح نمونه هایی از این تصویرسازی ها، گوشه ای از زیبایی و بلاغت بیان را در این دو منبع گران سنگ به نمایش بگذارد و با تحلیل و مقایسه موضوعات، عناصر و نمادهای به کار رفته در تشبیهات تمثیلی این دو اثر، به ارائه جداول، نمودارها و نتایج مربوط بپردازد.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، نهج البلاغه، بلاغت، تشبیه تمثیل

۱- مقدمه

حوزه این پژوهش، از یک سو، قرآن کریم و از دیگر سو، نهج البلاغه است که گوینده آن، علم فتح بر قله‌های فصاحت و بلاغت برافراشته، می‌فرماید: «وإنّا لأمرء الكلام و فینا تنسبت عروقه و علینا تهدلت غصونه» (خطبة ۲۳۳) ترجمه: ما امیران سخن هستیم و سخن در ما ریشه دوانیده و بر سر ما سایه گسترده است.

به همین دلیل است که جمله خطیبان زبان‌آور از دریای مواج سخن او سیراب شده‌اند و واعظان خوش‌سخن، دیبای خود را به شیوه او تنیده‌اند. جاحظ از علی (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «خُصْنَا بِخَمْسٍ: فصاحة، و صباحة، و سماحة، و نجدة و حُطوة» ترجمه: ما به پنج خصلت از دیگران متمایزیم: فصاحت، زیبایی رخسار، گذشت، شجاعت و محبوبیت (جاحظ، ۱۹۶۸، ج ۲: ۹۴).

جرج جرداق، درباره نهج البلاغه چنین می‌گوید: «از نقطه نظر اصول بلاغت عربی، دنباله قرآن کریم است و به اعتقاد بعضی‌ها، سخنش پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (جرداق، ۱۳۷۶، ج ۳: ۴۰۴).

سید مرتضی نیز توجه به نهج البلاغه را لازمه رسیدن به بلاغت دانسته است:

نهج البلاغه نهجه لذوی البلاغة واضح / و کلامه لکلام أرباب الفصاحة فاضح (نقل از قربانعلی زرین، ۱۳۷۷: ۲۳۸ و سبزیان‌پور، ۱۳۸۹: ۳۰) ترجمه: نهج البلاغه شیوه‌ای روشن برای اهل بلاغت است / سخن علی، سخنان اهل بلاغت را بی‌ارزش می‌کند.

سید رضی در پایان مقدمه نهج البلاغه درباره دلیل انتخاب این نام، می‌گوید: «چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم؛ زیرا این کتاب، درهای بلاغت را به روی بیننده می‌گشاید» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۱۷).

جنبه‌های بلاغی و ادبی نهج البلاغه از عواملی است که اشتیاق ادیبان را برای جمع‌آوری سخنان حضرت، برانگیخته است. شهیدی در مورد این گرایش می‌گوید: «آنچه سبب شد ادیبان عرب و جز عرب از قرن سوم هجری به گردآوری فقره‌های کوتاه سخنان امام توجه کنند، زیبایی‌های لفظی و معنوی این گفته‌هاست» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۷).

۲- تشبیه تمثیل و ارزش بلاغی آن

در قرآن کریم و نهج البلاغه، شیوه‌های گوناگونی برای تبیین مفاهیم عقلانی و بیان روابط پیچیده انسان و جهان هستی که برای اذهان محدود و ساده نوع بشر، دور از ذهن می‌نماید، اتخاذ شده است. از جمله این روش‌ها «تشبیه تمثیل» است که از اقسام تشبیه به اعتبار وجه شبه بوده و بلاغیون در تعریف و تفسیر آن، آرای مختلفی ارائه کرده‌اند.

جرجانی در اسرار البلاغه، تشبیه را اعم از تمثیل دانسته، می‌گوید: هر تمثیلی تشبیه است ولی هر تشبیه‌ی تمثیل نیست. تمثیل از نظر وی ترکیبی از چند جمله است که از هم جدایی ناپذیرند و حذف یکی از آنها، معنا را مختل می‌سازد و وجه شبه در آن برگرفته از مجموع این جملات است. به عبارت دیگر؛ تشبیه تمثیل، نیاز به تأویل دارد و وجه شبه در تشبیه تمثیلی، غیر آشکار و صفت عقلی و برگرفته از امور متعدد است (جرجانی، بی تا: ۲۳۸).

ابن رشیق؛ تمثیل و استعاره را از مقوله تشبیه می‌داند جز اینکه ادات و ابزار تشبیه در آنها وجود ندارد و در اسلوب اصلی تشبیه قرار ندارند (ابن رشیق، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۲۷). زمخشری و ابن اثیر، تشبیه و تمثیل را بنابر مفهوم لغوی، دو کلمه مترادف برشمرده‌اند. ابن اثیر در «المثل السائر» گفته است: «شَبَّهْتُ هَذَا الشَّيْءَ بِهَذَا الشَّيْءِ كَمَا يُقَالُ: مَثَّلْتُه بِهِ» (ابن اثیر، ۱۴۲۰: ۳۷۳). همانطور که زمخشری گفته است: «مَثَلَهُ بِهِ: شَبَّهَهُ» (زمخشری، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۹۳).

سکاکی معتقد است تشبیه تمثیل وقتی استعمالش به شیوه استعاره شایع شود، مَثَل نامیده می‌شود (سکاکی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۸۰).

خطیب قزوینی معتقد است که تشبیه تمثیل، تشبیه‌ی است که وجه شبه در آن امری منتزع از امور متعدد باشد، خواه این تعدد مربوط به اجزای شیء واحدی باشد یا نباشد (خطیب قزوینی، ۱۴۱۱: ۲۵۴ - ۲۵۸). تفاوت نظر خطیب قزوینی با سکاکی در مورد حقیقی بودن یا نبودن است.

قدامة بن جعفر، تمثیل در شعر را چنین تعریف کرده است که شاعر برای بیان معنایی که اراده کرده، از کلامی دیگر با معنای دیگری استفاده نماید و این کلام و معنای آن، البته گویای همان چیزی است که مراد شاعر بوده است. مانند این بیت طرمح بن میاده:

أَلَمْ تَكُ فِي يَمِينِي يَدَيْكَ جَعَلْتَنِي فَلَا تَجْعَلْنِي بَعْدَهَا فِي سَمَائِكَا
وَلَوْ أَنَّ نَسِي أَدْنَيْتُ مَا كُنْتُ هَالِكاً عَلَيَّ خَصَلَةٌ مِنْ صَالِحَاتِ خِصَالِكَا

شاعر در بیت اول می‌خواهد بگوید: من مقرب درگاه تو هستم مرا دور نکن و برگزیده توام، از من دوری نگزین. ولی به جای آن می‌گوید: من در دست راست تو هستم، مرا به دست چپ خود مده و بدین وسیله مراد خود را با لفظ و معنای دیگری که جاری مجرای مثل خواهد شد، بیان می‌نماید (قدامة بن جعفر، ۱۳۰۲: ۵۸ - ۵۹).

ابن ابی‌الاصبع هم تمثیل را به همراه استعاره، مبالغه، اشاره و تشبیه از نوع مجاز شمرده که در آنها از حقیقتی که برای بیان معنایی وضع شده، عدول می‌شود و با وجود اینکه همگی جزء مجاز به حساب می‌آیند، هر کدام اسم مشخصی دارند که آن را از بقیه متمایز می‌کند، مانند جنس حیوان که بر انواع اسب و شتر و انسان اطلاق می‌شود (ابن ابی‌الاصبع، بی تا: ۴۵۷).

فاضلی، تمثیل را با همان رویکرد تشبیه‌ی، معرفی کرده و آن را با تشبیه یکی دانسته است (فاضلی، ۱۳۶۵: ۲۰۴ - ۲۰۵).

شمیسا در تعریف تمثیل می‌گوید:

تمثیل هم حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه‌به است. در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه‌به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم، اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود: «مَثَلُ كَسَانِي كَمَا فَطِنْتُ بِهٖ دُنْيَا فَسَاطِرُهَا، مَثَلُ كَسَانِي كَمَا فَطِنْتُ بِهٖ دُنْيَا فَسَاطِرُهَا» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

به عقیده هاشمی، تشبیه تمثیل، از انواع دیگر آن بلیغ‌تر است، چرا که نیاز به تفکر و دقت نظر دارد و سبب بالا رفتن ارزش سخن و قدرت تحریک و تأثیر در روح آدمی می‌شود. این تشبیه، مدح را کارآمدتر، ذم را گزنده‌تر و برهان و دلیل را روشن‌تر می‌نماید و ذهن را به تکاپو وا می‌دارد (هاشمی، ۱۴۱۳: ۲۶۷).

از نظر کزازی، تشبیه تمثیل، یکی از پرمایه‌ترین گونه‌های تشبیه است، زیرا که سخنور با یاری آن، به آفرینش پندارین و فضا‌های شاعرانه، کامیاب می‌شود (کزازی، ۱۳۸۱: ۵۷).

۳- اهمیت و ضرورت مسئله

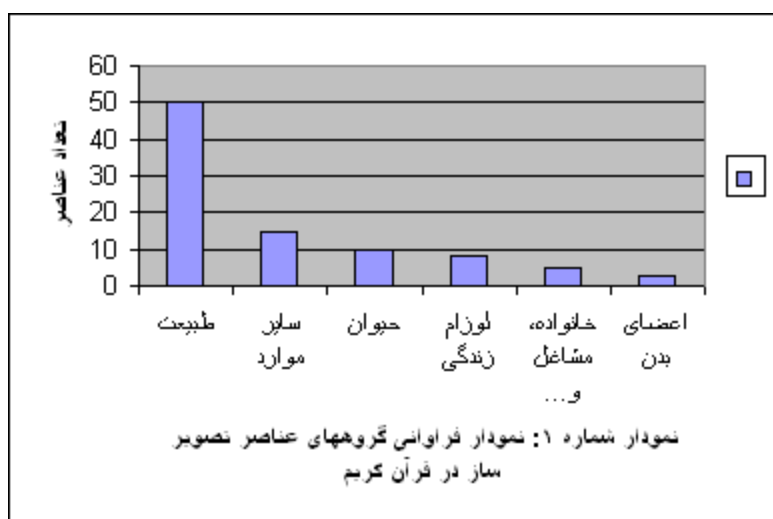
تحقیقات فراوانی در قالب مسائل مختلف بلاغی، اعم از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... به طور مجزا بر روی قرآن کریم و نهج البلاغه انجام شده است. اما تا کنون مقایسه‌ای میان جنبه‌های هنری و بلاغی تشبیه تمثیل در این دو کتاب عظیم صورت نگرفته است. درک بهتر این تمثیلات و مقایسه میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها در مورد مذکور، میزان و چگونگی تأثیرپذیری نهج البلاغه از قرآن کریم را روشن خواهد نمود. از سوی دیگر، این مقایسه درک بلاغت هر یک از این دو کتاب عظیم را بسی راحت‌تر و دلپذیرتر می‌نماید.

۴- پیشینه تحقیق

هر چند در زمینه جلوه‌های بلاغی قرآن و نهج البلاغه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از جمله آنها عبارتند از: «بلاغت قرآن کریم؛ همگون یا ناهمگون» (۱۳۷۹)، از زبرجد، «تبیین فصاحت و بلاغت قرآن کریم»، (۱۳۷۹)، نوشته شریعتی فرد، «نقش قرآن و تحول نقد و بلاغت» (۱۳۹۰)، از فضیلت بهبهانی، «شگردهای التفات در سه شاعر فارسی زبان (خاقانی، مولانا و حافظ) و مقایسه آن با بلاغت عربی قرآن»، (۱۳۹۱) از واعظ، «تصویرآفرینی در نهج البلاغه»، (۱۳۸۱)، نوشته جعفری، «بررسی زیبایی شناسی تشبیه در نهج البلاغه (حکمت‌ها و نامه‌ها)» (۱۳۸۹)، از کریمی فرد و نیز کتاب «بلاغت در نهج البلاغه» از تجلیل و...، با این حال، همانطور که اشاره شد، پژوهشی که به طور خاص و جداگانه به بررسی تشبیه تمثیل در قرآن کریم و نهج البلاغه و مقایسه آنها براساس اطلاعات نظام‌مند پرداخته باشد، وجود ندارد. نویسندگان این مقاله مدعی هستند که شیوه کار در این پژوهش با تحقیقات مربوط به تصویرسازی‌های قرآن و نهج البلاغه کاملاً متفاوت است.

۵- بررسی فراوانی عناصر تصویرساز در قرآن و نهج البلاغه

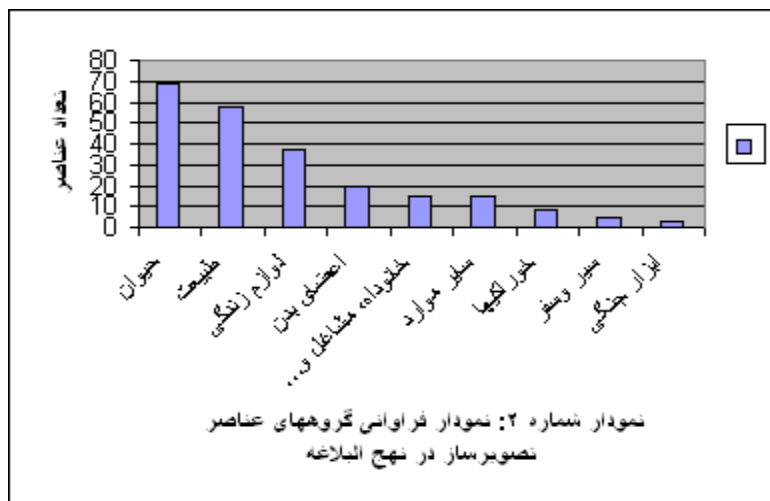
محیط زندگی در پیدایش و به کارگیری نوع تشبیه و ارکان آن به ویژه در انتخاب عناصر مشابه تأثیر مستقیم دارد. با تأملی ساده در عناصر به کار رفته در تشبیهات قرآن کریم، می‌توان این عناصر را در چند موضوع اصلی تقسیم‌بندی نمود: «طبیعت»، «حیوانات»، «اشیاء و لوازم زندگی»، «اعضای بدن»، «خانواده، مشاغل و امور مربوط به آن» و «سایر موارد»^(۱). فراوانی این عناصر در نمودار شماره «۱» به تصویر کشیده شده است.^(۲)



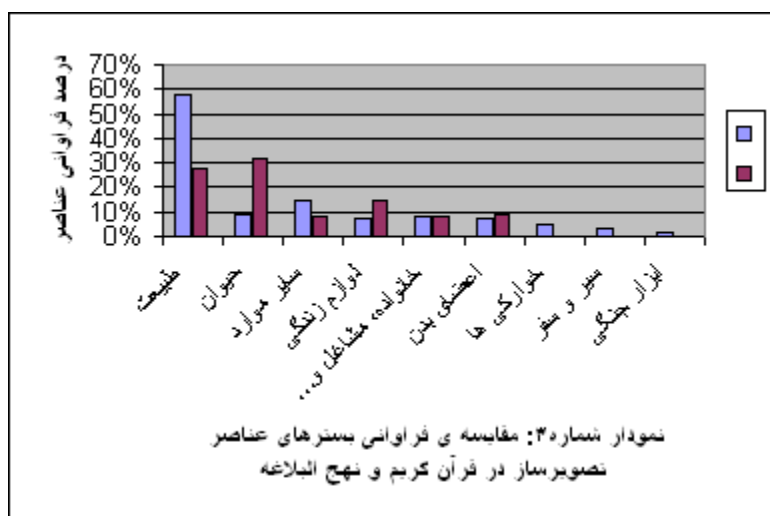
چنانچه ملاحظه می‌شود عناصر مربوط به «طبیعت» از بیشترین فراوانی برخوردار است. از میان این عناصر، می‌توان به مواردی چون: آب، آتش، باد، باران، رعد و برق، خاک، دانه، درخت و... اشاره نمود.

اما عناصر تصویرساز نهج البلاغه، از تنوع بیشتری برخوردار است که عبارتند از: «طبیعت»، «حیوانات»، «اشیاء و لوازم زندگی»، «اعضای بدن»، «خوراکی‌ها»، «خانواده، مشاغل و امور مربوط به آن»، «سیر و سفر» و «سایر موارد».

فراوانی عناصر تصویرساز نهج البلاغه نیز در قالب نمودار شماره «۲» نمایش داده شده است.



همانطور که ملاحظه می‌شود، عناصر مربوط به «طبیعت» در نهج البلاغه نیز از میزان بالاتری برخوردارند. اما عناصر مربوط به «حیوانات»، میزان بالاتری را به خود اختصاص داده است. قابل ذکر است که در میان حیوانات، «شتر» با انواع و اسامی مختلف خود، بسامد بالایی دارد، پس از آن نیز، «اسب» بیشترین تکرار را دارد. از دیگر حیوانات تصویرساز نهج البلاغه می‌توان به سگ، شیر، مار، خوک، گری، عنکبوت و... اشاره نمود. در میان عناصر طبیعت می‌توان از آب، آتش، باد، بیابان، خار، درخت، سایه، گل، گیاه و... نام برد. در نمودار شماره «۳»، فراوانی عناصر تصویرساز در قرآن کریم با رنگ روشن‌تر و نهج البلاغه - با رنگ تیره‌تر - مقایسه شده‌اند.



۶- تصاویر و عناصر مشترک در قرآن کریم و نهج البلاغه

در میان تصویرگری‌های قرآن کریم و نهج البلاغه به مواردی برمی‌خوریم که در آن عناصر مشترکی با تصویرسازی‌های مشابه برای بیان موضوعی واحد به کار رفته که از جمله آنها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱- ۶- باد

باد عنصری است که موجب از بین رفتن و نابود شدن بسیاری از مظاهر طبیعت است. در تعبیر کنایی «بر باد رفتن» اشاره‌ای ضمنی به نابودی وجود دارد. این عنصر در قرآن کریم و نهج البلاغه به همین منظور به کار رفته است. در قرآن کریم اعمال و کارهای نیک یک شخص کافر که به سبب کفر وی، ارزش خود را از دست می‌دهد، به خاکستری تشبیه شده که دستخوش باد و طوفان شده و پراکنده می‌گردد (درویش، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۷۴). وجه شبه، زوال و نابودی است:

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَيَّ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (ابراهیم: ۱۸) ترجمه: مَثَلِ كَسَانِي كِه بَه پُروردگارشان کافر شدند؛ کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن وزید. از آنچه به دست آورده‌اند هیچ (بهره‌ای) نمی‌توانند برد. این است همان گمراهی دور و دراز.

اما در نهج البلاغه، نقل روایات، توسط مدعیان دروغین که باعث تباه شدن این روایات می‌شوند، به گیاهان خشکی تشبیه شده که بر باد داده می‌شوند. وجه شبه در این تشبیه، عبارت است از تباه کردن و بی ارزش نمودن چیزی ارزشمند:

يَذْرِي الرَّوَّابَاتِ إِذْرَاءَ الرِّيحِ الْهَشِيمِ (خطبة ۱۷) ترجمه: روایات را بر باد می‌دهد آن سان که باد، گیاه خشک را پراکنده می‌سازد.

۲- ۶- سگ

سگ؛ سمبل حرص، زیاده‌خواهی، تجاوز و تعدی است. در قرآن کریم، حالت برخی معاندان و مخالفان در حرص و تعدی به سگ تشبیه شده است که اگر به او حمله کنی

پارس می‌کند و پشت کرده، می‌رود و اگر رهایش کنی، باز هم خشونت کرده، پارس می‌کند. وجه شبه زیاد خواهی و تعدی است:

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶) ترجمه: و اگر می‌خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می‌بخشیدیم، لیکن او به زمین (تن) فروماند و پیرو هوای نفس گردید، و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند.

امام (ع)، حرص و طمع عمرو عاص و همکاری وی با معاویه جهت نیل به مقاصد دنیوی را به سگی تشبیه فرموده که به امید دست یافتن به پس‌مانده شکار شیر، به دنبال او افتاده و سایه به سایه همراهش می‌گردد. وجه شبه خواری و ذلت ناشی از حرص و طمع نسبت به چیزی اندک و بی ارزش است:

فَاتَّبَعَتْ آثَرَهُ، وَ طَلَبَتْ فَضْلَهُ، اتَّبَعَ الْكَلْبِ لِلضَّرْغَامِ، يُلْوِذُ إِلَى مَخَالِبِهِ، وَ يَنْتَظِرُ مَا يُلْقَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِ فَرَيْسِيَّةٍ (نامه ۳۹) ترجمه: قدم به جای قدمش گذاشتی و بخشش او را درخواست نمودی، همچون سگی که به دنبال شیر رود، که به پناه چنگال او رود و انتظار بکشد که اضافه صیدش را به سوی او اندازد.

۳-۶- شتر تشنه

شتر تشنه، سمبل بی‌طاقتی و حرص و شوق بسیار برای نوشیدن آب است. قرآن کریم عطش گمراهان و تکذیب‌کنندگان را در روز قیامت به حالت شترانی بسیار تشنه تشبیه کرده که وقتی به آب می‌رسند از شدت پرنوشی سرانجام هلاک می‌شوند و یا به گونه‌ای سخت و شدید مریض می‌شوند. وجه شبه نوشیدن آب زیاد اما سیراب نشدن است:

ثُمَّ إِنَّكُمْ مِنْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ * لَّا كُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ * فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ * (واقعه: ۵۱ - ۵۵) ترجمه: سپس شما ای

گمراهان تکذیب‌کننده! قطعاً از درخت زقوم می‌خورید و شکم‌ها را از آن پر می‌کنید و روی آن از آب سوزان می‌نوشید و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش از آن می‌آشامید!

امام (ع)، حملات گسترده مسلمانان و کشتار و تعقیب پی در پی لشکر معاویه و فرار دشمن را به گروه شتران تشنه‌ای تشبیه فرموده‌اند که آنان را از آبشخور، فراری داده و دور می‌سازند. وجه شبه جدا نمودن چیزی از یک امر محبوب، با مشقت، اما با قدرت فراوان است. (شتر تشنه با ولع و حرص زیاد تمایل به ماندن در آبشخور دارد، پس دور نمودن آن از آبشخور سخت خواهد بود).

و تُزِيلُوهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ كَمَا أَزَلُّوْكُمْ. حَسّاً بِالنِّصَالِ، وَ شَجْراً بِالرِّمَاحِ، تَرْكَبُ أَوْلَاهُمْ أَخْرَاهُمْ، كَالْأَبْلِ الْهَيْمِ الْمَطْرُودَةِ تُرْمِي عَنْ حِيَاضِهَا، وَ تُدَادُ عَنْ مَوَارِدِهَا (خطبه ۱۰۶) ترجمه: وقتی که دیدم سرانجام آنها را فراری دادید، آنچنان که شما را به هزیمت دادند و آنان را از لشکرگاه خود راندید، چنانکه شما را رانددند، با ضرب شمشیر و نیزه آنان را درمانده و بیچاره کردید، به طوری که اولشان روی آخرشان می‌افتاد، مانند شتران تشنه‌ای که از سر حوضشان رانند و از ورود به آبگاهشان منع کنند.

۴-۶- خانه عنکبوت

خانه عنکبوت، رمز سستی و ضعف است. در قرآن کریم کسانی که غیر خدا را به سرپرستی و ولایت برمی‌گزینند، به عنکبوتی که تار می‌تند و آن را خانه خودش قرار می‌دهد، تشبیه شده‌اند. غرض از این تشبیه، تقریر سستی این‌گونه افراد و غیر قابل اعتماد بودن آنان است (صافی، ۱۴۱۱، ج ۱۹: ۳۴۱):

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۴۱) ترجمه: مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ درحالی که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر می‌دانستند!

و در نهج البلاغه، سستی رأی مدعی دروغین قضاوت به تار عنکبوت تشبیه شده، یا می‌توان گفت که گرفتار شدن در میان شبهات به گرفتار شدن در میان تارهای عنکبوت

تشبیه شده است. وجه شبهه، هیئت حاصل از به سختی افتادن، به دلیل کم عقلی و ناتوانی است:

فَإِنْ نَزَلَتْ بِهِ إِحْدَى الْمُبْهَمَاتِ هَيَّأَ لَهَا حَشْوًا رَثًّا مِنْ رَأْيِهِ، ثُمَّ قَطَعَ بِهِ. فَهُوَ مِنْ لَيْسِ الشُّبُهَاتِ فِي مِثْلِ نَسْجِ الْعُنْكَبُوتِ، لَا يَدْرِي أَصَابَ أَمْ أخطَأَ؟ (خطبه ۱۷) ترجمه: چون با مسئله مبهمی روبرو شود آراء بی فایده و بی پایه اش را به میدان آورده، قاطعانه حکم می کند. از این رو در برابر شبهات به مانند مگسی در تارهای سست عنکبوت گرفتار است، این بی مایه نمی داند رأیش بر صواب است یا بر خطا؟

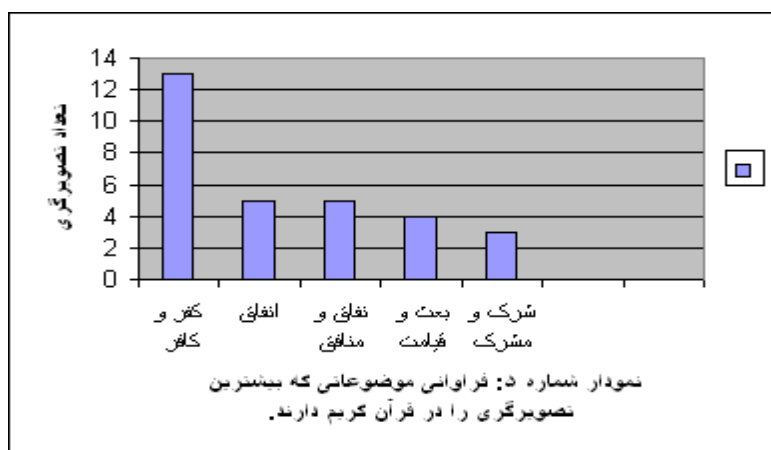
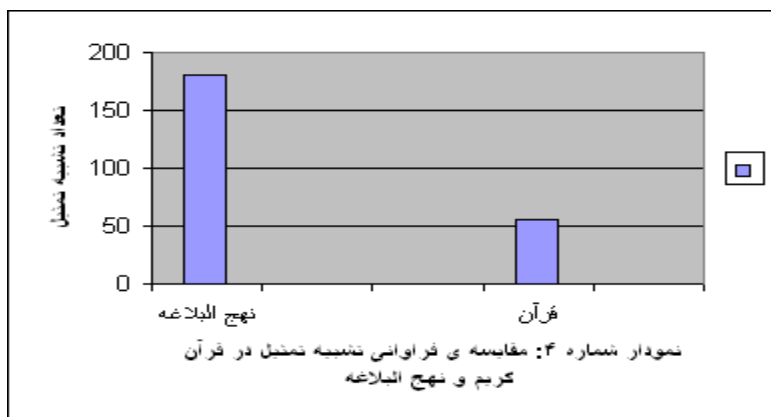
با دقت در نمونه های ارائه شده، ملاحظه گردید که عناصر «باد، سگ، شتر تشنه و خانه عنکبوت»، با تصویرسازی های تمثیلی مشابهی برای بیان موضوعی واحد به کار رفته است. خلاصه این اشتراکات در قالب جدول شماره «۱» تنظیم گردیده است:

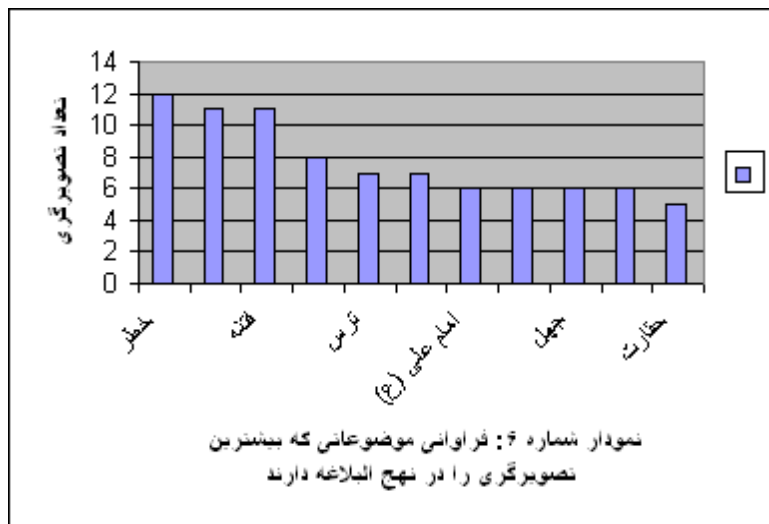
عناصر	تصویر گری	منبع	برای بیان موضوع
باد	- باد در برخورد با گیاه خشک - باد در برخورد با خاکستر - باد در برخورد با باغ و زراعت	خطبه ۱۷ ابراهیم: ۱۸ آل عمران: ۱۱۷	تباه کردن روایات توسط مدعیان دروغین قضاوت زوال و نابودی اعمال کافران زوال و نابودی انفاق اهل کفر
سگ	- سگ و پارس کردن مداوم - سگ و ستیز بر سر مردار - سگ و زوزه کشیدن های فراوان - سگی که به دنبال شیر افتاده باشد	اعراف: ۱۷۶ خطبه ۱۵۱ نامه ۳۱ نامه ۳۹	حرص و طمع و پستی و رذالت دنیا طلبان حرص و طمع دنیا طلبان و رقابت آنان بر سر دنیا هیاهوی دنیا طلبان برای به دست آوردن دنیا عمر و عاص و همراهی او با معاویه جهت نیل به مطامع دنیوی
شتر تشنه	- شتران تشنه و راندن آنها از آبشخور - شتران تشنه که زانوبندشان را گشوده و به آبشخور روی آورده اند - شتر مبتلا به عطش	خطبه ۱۰۷ خطبه ۵۴ واقعه: ۵۱ - ۵۵	عقب راندن سربازان دشمن از مواضع خود توسط دشمنان اشتیاق و هجوم مردم برای بیعت با امام (ع) عطش و اشتیاق تکذیب کنندگان در قیامت برای آب
خانه عنکبوت	- عنکبوت و تار ضعیف و سست آن - عنکبوت و گرفتاری در تار آن	عنکبوت: ۴۱ خطبه ۱۷	سستی ولایت غیر خدا گرفتار شدن در شبهات

جدول ۱: عناصر مشترک قرآن کریم و نهج البلاغه با موضوع مشترک

۷- بررسی فراوانی تشبیه تمثیل در قرآن کریم و نهج البلاغه

موضوعاتی که در قرآن کریم به شکل تشبیه تمثیل آمده است، غالباً در مسیر اهداف و محتوای کلی قرآن کریم است، از جمله: معاد و آخرت، توحید، نفاق و ریا، شرک و کفر، انفاق، هدایت، گمراهی و... مضامین دیگر نیز در قالب همین مطالب اصلی بیان شده‌اند. اما دایره این موضوعات در نهج البلاغه گسترده‌تر و با تنوع بیشتری است و اغلب شامل امور اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، عبادی، تربیتی و حتی برخی اشخاص و نیز مسائل مربوط به دنیا، آخرت، مرگ، ولادت، امامت و... است. این نتایج در قالب نمودارهای شماره «۴، ۵ و ۶» نشان داده شده است:





۸- نمونه‌هایی از تصویرگری‌های مشترک قرآن کریم و نهج البلاغه

۸-۱- دنیا (ناپایداری و بی‌ثباتی)

از جمله مباحثی که در قرآن کریم و نهج البلاغه بسیار مورد توجه بوده، موضوع دنیا و معرفی ارزش و جایگاه آن است. در این رهگذر ابعاد مختلفی از دنیا در قالب تشبیه تمثیل به تصویر کشیده شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به ناپایداری و بی‌ثباتی دنیا اشاره نمود که بسیار مورد نظر این دو کتاب شریف قرار گرفته است. در قرآن کریم، حالت دنیا در بی‌ثباتی و نابودی، به گیاه سرسبزی تشبیه شده که با آب باران، سیراب و سرسبز شده و به سرعت خشک می‌گردد و بادی نرم آن را از بین می‌برد:

وَأَضْرَبُ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (کهف: ۴۵) ترجمه: (ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و به وسیله آن گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم فرومی‌رود، اما بعد از مدتی می‌خشکد و بادهای آن را به هر سو پراکنده می‌کند و خداوند بر همه چیز تواناست!

و در نهج البلاغه دنیا به سایه‌ای تشبیه شده که پیوسته رو به کوتاهی و نقصان دارد.

وجه شبه رو به کاستی نهادن است:

وَأَنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفِيءٌ الظُّلُّ، بَيْنَا تَرَاهُ سَابِغاً حَتَّى قَلَصَ، وَ زَائِداً حَتَّى تَقْصَ (خطبه ۶۲) ترجمه: دنیا در دید خردمندان همانند سایه در حال برگشت است، وقتی که آن را در حال گسترش می‌بینی جمع می‌شود و وقتی که رو به افزایش می‌نگری رو به کاهش می‌رود.

۲-۸- فرار از حق و عدالت

از دیگر موضوعاتی که قرآن کریم و نهج البلاغه برای بیان تفهیم آن به تصویرگری پرداخته‌اند، موضوع «فرار از حقیقت و هدایت» است:

در قرآن کریم رویگردانی کافران از پند و اندرزهای قرآن کریم به گورخرانی که از صیاد فرار می‌کنند تشبیه شده است:

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ. (مدثر: ۵۰ - ۵۱) ترجمه: گویی آنان گورخرانی

رمیده‌اند که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!

و در نهج البلاغه نیز دوری گزیدن مردم از نصایح و دستورات امام (ع) و فرار از اطاعت ایشان به فرار بزغاله از غرش شیر تشبیه شده است:

أَطَارَكُمُ عَلِيُّ الْحَقُّ وَ أَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزِي مِنْ وَعْوَعَةِ الْأَسَدِ (خطبه ۱۳۱)

ترجمه: شما را به سوی حق سوق می‌دهم و شما همانند بزغاله‌ای که از غرش شیر فرار می‌کند، پا به فرار می‌گذارید.

۳-۸- شرک و دوری از خداوند

در قرآن کریم تصویرسازی‌های زیبایی در مورد شرک به خداوند به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، حال انسانی که با شرک به خداوند، خود را در نهایت نابودی فرو برده، به کسی تشبیه شده که از آسمان فروافتاده و پرندگان شکاری به سرعت او را می‌ربایند و تکه‌های گوشتش را به منقار می‌کشند.

حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى

بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (حج: ۳۱) ترجمه: (برنامه و مناسک حج را انجام دهید) درحالی

که همگی خالص برای خدا باشد! هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس

همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرنده‌گان (در وسط آسمان) او را می‌ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند!

در نهج البلاغه، وضعیت فرد مشرک، به حالت چهارپایانی تشبیه شده که چوپان آنها را به چراگاهی بیماری‌زا آورده و آنها از این امر غافلند. و نیز حالت ظاهری انسان و دنیاطلبی او و غفلت از پایان و عاقبت خود، به حالت گوسفندانی تشبیه شده است که غافل از آنچه در انتظارشان است، به خوردن و فرجه شدن مشغولند:

مَا لِي أَرَاكُمْ عَنِ اللَّهِ ذَاهِبِينَ، وَ إِلَىٰ غَيْرِهِ رَاغِبِينَ؟! كَأَنَّكُمْ نَعَمَ أَرَاخَ بِهَا سَائِمٌ إِلَىٰ مَرْعِيٍّ وَبِيٍّ، وَ مَشْرَبٍ دَوِيٍّ. إِنَّمَا هِيَ كَالْمَعْلُوقَةِ لِلْمُدْيِ، لَا تَعْرِفُ مَاذَا يُرَادُ بِهَا إِذَا أَحْسَنَ إِلَيْهَا، تَحْسِبُ يَوْمَهَا دَهْرَهَا، وَ شَبَعَهَا أَمْرَهَا. (خطبة ۱۷۴)

ترجمه: چه شده که شما را رویگردان از خدا و روی آورده به غیر او می‌بینم؟! به چهارپایانی می‌مانید که چوپان آنها را به چراگاه و باخیز و آبشخور دردانگیز برده. علف چرانی هستید که برای بردن به قصابخانه علف می‌دهند، زمانی که با او خوبی می‌کنند نمی‌دانند از این خوبی کردن به او چه هدفی دارند، روزش را روزگار و سیرشدنش را زندگی می‌پندارد.

۴-۸- جهل و نادانی

قرآن کریم وضعیت یهود را در قرائت و حفظ تورات و عدم انتفاع و عمل به آیات آن به الاغی تشبیه کرده که کتابهای زیادی را حمل کرده، اما از این کار چیزی جز سنگینی و رنج عاید او نمی‌شود:

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (جمعه: ۵) ترجمه: وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد)، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

امام علی (ع)، بنی امیه را که از نور حکمت الهی محرومند به چهارپایانی تشبیه کرده که تنها هدفشان چریدن است:

لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ، وَلَمْ يَفِدْحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ. فَهُمْ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ. (خطبه ۱۰۷) ترجمه: این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن ننموده و با آتش زنه دانش‌های درخشان شعله نیفروخته‌اند. از این بابت به مانند چهارپایان چرنده هستند.

۵-۸- ناامیدی

خداوند برای ترسیم حالت گناهکاران در روز قیامت، آنها را به پیری ناتوان تشبیه می‌کند که چند فرزند خردسال دارد و تنها منبع درآمد او باغی سرسبز است که ناگهان با بادی سوزان، آتش گرفته و از بین می‌رود. وجه شبه، هیئت حاصل از ناامیدی و زیان و ضرر ناگهانی پس از تلاش و زحمت فراوان است:

أَيُّودٌ أَحْدَكُمُ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفَاءُ فَاصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره: ۲۶۶) ترجمه: آیا هیچ یک از شما خواهد که او را باغی باشد از درخت خرما و انگور و زیر آن درختان جویهای روان، و در آن هرگونه میوه موجود باشد، آن گاه ضعف و پیری بدو فرا رسد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد، پس در باغ او بادی آتشبار افتد و همه بسوزد؟ (حال کسی که به ریا انفاق کند بدین ماند). خداوند آیات خود را برای شما این چنین روشن بیان کند، باشد که (در مآل کارها و حقیقت احوال) فکر کنید.

امام (ع) وضعیت مردم عراق را در جنگ صفین که در آخرین ساعات جنگ، فریب خوردند و پس از آن همه زحمت، نتیجه جنگ را به دشمن واگذار نمودند، به زن بارداری تشبیه کرده که در واپسین روزهای حمل، جنین خود را مرده می‌افکند و میراث او را دیگران به ارث می‌برند. وجه شبه ناامید شدن و ضایع نمودن نتیجه کار است.

يا أَهْلَ الْعِرَاقِ فَإِنَّمَا أَنتُمْ كَالْمَرْأَةِ الْحَامِلِ حَمَلَتْ، فَلَمَّا أَتَمَّتْ أَمْلَصَتْ وَمَاتَ قِيَمُهَا، وَطَالَ تَأْيِمُهَا، وَوَرَّثَهَا أَبْعَدُهَا (خطبه ۷۰) ترجمه: ای اهل عراق! شما همچون زن حامله‌ای هستید که باردار شده و پس از دوران بارداری طفل مرده بزاید و شوهرش بمیرد و دوره بیوه‌گیش طولانی شود و دورترین اشخاص ارثش را ببرد.

نتیجه

۱ - عناصر تشکیل دهنده تشبیه تمثیل در قرآن و نهج البلاغه

الف: عناصر موجود در تشبیه‌های تمثیلی قرآن، به سبب ویژگی فرازمانی و فرامکانی، از عناصر طبیعت است، در حالی که همین عناصر در نهج البلاغه به سبب حوادث خاص و شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار امام علی (ع) و مخاطبان محدود، شامل برخی عناصر ویژه چون ابزار جنگی، خوردنی‌ها و سیر و سفر می‌شود (نمودار ش ۳).

ب: عناصر مربوط به «طبیعت» در قرآن کریم و عناصر مربوط به «حیوانات» در نهج البلاغه از بیشترین میزان برخوردارند (نمودار ش ۳).

ج: عناصر مربوط به «ابزار جنگی»، «سیر و سفر» و «خوردنی‌ها» فقط در نهج البلاغه یافت شده‌اند (نمودار ش ۳).

۲- موضوعات تشبیه تمثیل

الف: موضوعاتی که در قرآن کریم به صورت تشبیه تمثیل آمده در قالب مسائل اعتقادی چون توحید، نبوت، معاد و... است، حال آنکه این موضوعات در نهج البلاغه غالباً مسائل اجتماعی و سیاسی است (نمودارهای ش ۱، ۲ و ۳).

ب: بسامد و تنوع موضوعات مربوط به تشبیه تمثیل در نهج البلاغه بیشتر از قرآن کریم است (نمودار ش ۳).

پی‌نوشت

۱. منظور از سایر موارد؛ موضوعات متفرقه‌ای در قرآن کریم و نهج البلاغه است که در شمار فقره‌های قبل به حساب نمی‌آیند.

۲. دامنه این تحقیق، شامل همه آیات قرآن کریم و نهج البلاغه است که برگرفته از پایان نامه طیبیه حمزوی با عنوان «مقایسه تشبیه تمثیل در قرآن و نهج البلاغه» است و به علت تنگنای مجال مقاله، به ارائه چند نمونه تشبیه تمثیل و عناصر به کار رفته در آن، اکتفا شده و بقیه را در قالب نمودار، عرضه کرده‌ایم.

منابع

الف) فارسی

تجلیل، جلیل، ۱۳۷۹، بلاغت در نهج البلاغه، چاپ اول، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، تهران.

حمزوی، طیبیه، ۱۳۸۹، مقایسه تشبیه تمثیل در قرآن کریم و نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر وحید سبزیان پور، دانشگاه پیام نور، دانشکده الهیات، واحد تهران، مرکز. کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۸۱، زیبا شناسی سخن پارسی، بیان ۱، چاپ ششم، نشر مرکز، تهران.

ب) عربی

قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، انتشارات مشرقین، قم.

ابن أبی الإصبع العدوانی، البغدادی (بی تا)، تحریر التخبیر فی صناعة الشعر و النثر و بیان إعجاز القرآن، تقدیم و تحقیق: الدكتور حفنی محمد شرف، الجمهورية العربية المتحدة - المجلس الأعلى للثقون الإسلامية - لجنة إحياء التراث الإسلامي.

ابن الأثیر، نصر الله بن محمد، ۱۴۲۰، المثل السائر فی أدب الكاتب و الشاعر، المحقق: محمد محی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية للطباعة والنشر، بیروت.

جاحظ، عمرو بن بحر، ۱۹۶۸، البیان و التبیین، حققه و قدم له المحامیغ فوزی عطوی، دار صعب، بیروت.

الجرجانی، أبو بکر عبد القاهر بن عبد الرحمن بن محمد الفارسی الأصل، (بی تا)، أسرار البلاغة، قرأه وعلق علیه: محمود محمد شاکر، مطبعة المدنی، القاهرة.

جرداق، جرج، ۱۳۷۶، امام علی (ع)، صدای عدالت انسانی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، چاپ سوم، نشر خرم، قم.

الخطیب القزوینی، ۱۴۱۱، الإيضاح فی علوم البلاغة المعانی و البیان و البدیع، دار الکتب الإسلامی، قم.

الدرویش، محیی الدین، ۱۴۱۲، إعراب القرآن الکریم و بیانه، مطبعة دار ابن کثیر، دمشق.

الزمخشري، جار الله، ۱۴۱۹، أساس البلاغة، تحقيق: محمد باسل عيون السود، الطبعة الأولى، دارالكتب العلمية، بيروت.

الشريف رضى، ابوالحسن محمد بن الحسين، ۱۳۸۶، مقدمة نهج البلاغه، ترجمه سيدمحمد مهدى جعفرى، چاپ اول، مؤسسه نشر و تحقيقات ذكر، تهران.

شفيعى كدكنى، محمد رضا، ۱۳۷۰، صور خيال در شعر فارسى، چاپ چهارم، انتشارات آگاه، تهران. الصافى، محمود، ۱۴۱۱، الجدول فى إعراب القرآن و صرفه و بيان، دار الرشيد، مؤسسة الإيمان، دمشق.

فاضلى، محمد، ۱۳۶۵، دراسة و نقد فى مسائل بلاغية هامة، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى، تهران.

قدامة بن جعفر، أبو الفرج، ۱۳۰۲، نقد الشعر، الطبعة الأولى، مطبعة الجوائب، قسطنطينية. قيروانى، أبو على الحسن بن رشيق، ۱۴۰۱، العمدة فى محاسن الشعر وأدابه، محقق: محمد محبى الدين

عبد الحميد، عدد الأجزاء ۲، الطبعة الخامسة، دار الجيل، بيروت.

هاشمى، احمد، ۱۴۳۱، جواهر البلاغة، الطبعة الرابعة، مكتبة الأعلام الإسلامى.

ج) مجلات

جعفرى، سيد محمد مهدى ۱۳۸۱، «تصويرآفرينى در نهج البلاغه»، مجله علوم اجتماعى و انسانى، شماره ۱۷، دانشگاه شيراز، صص ۶۵-۷۳.

زبرجد، سيد محمد هادى، ۱۳۷۹، «بلاغت قرآن كريم؛ همگون يا ناهمگون»، فصلنامه انديشه دينى، شماره ۲، دانشگاه شيراز، صص ۴۵-۵۶.

سبزيان پور، وحيد و نسرین عزيزى، ۱۳۸۸، «تأثير نهج البلاغه بر آثار ابن مقفع»، طرح پژوهشى دانشكده زبان و ادبيات عرب، دانشگاه رازى، کرمانشاه.

سبزيان پور، وحيد و نسرین عزيزى، ۱۳۸۹، «تشبيه تمثيل در نهج البلاغه و کاربرد آن در كتب درسى»، همایش تفسير قرآن كريم و نهج البلاغه در دانشگاه معارف اسلامى، قم.

شريعتنى فرد، حسين، ۱۳۷۹، «تبیین فصاحت و بلاغت قرآن كريم»، دو فصلنامه صحيفه مبین، شماره ۷، پيايى ۲۴، دانشگاه آزاد اسلامى، قم، صص ۴-۱۵.

شهيدى، سيد جعفر، ۱۳۸۰، «بهره ادبيات از سخنان على (ع)»، فصلنامه نهج البلاغه، ش ۱، وابسته به بنياد نهج البلاغه، تهران، صص ۲۵-۳۸.

فضيلت بهبهاننى، محمود، ۱۳۹۰، «نقش قرآن و تحول نقد و بلاغت»، فصلنامه ادب عربى، شماره ۳، دانشكده ادبيات و علوم انسانى، دانشگاه تهران، صص ۱۹۹-۲۱۶.

قربانى زرين، باقر، ۱۳۷۷، «مقدمه اى بر تأثير كلام امام على (ع) در شعر عربى»، فصلنامه دانشكده ادبيات و علوم و انسانى، شماره ۱۴۶، دانشگاه تهران، صص ۲۳۶-۲۴۹.

نگاهی به تصویرگری و جایگاه آن در قرآن کریم و نهج البلاغه / ۲۰

کرمی فرد، غلامرضا و رضا نیکدل، ۱۳۸۹، «بررسی زیبایی شناسی تشبیه در نهج البلاغه (حکمت‌ها و نامه‌ها)»، فصلنامه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، دوره جدید، شماره ۲۸ (پیاپی ۲۵)، دانشگاه کرمان، صص ۲۶۵-۲۹۰.

واعظ، سعید و یحیی عطایی، ۱۳۹۱، «شگردهای التفات در سه شاعر فارسی زبان (خاقانی، مولانا و حافظ) و مقایسه آن با بلاغت عربی قرآن»، فصلنامه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۵، تهران، صص ۱۹۳-۲۱۰.

